



بازتاب اندیشه‌های گنوسی در سیر العباد سنایی

ایران ملاسلیمی^۱

۱- کارشناسی ادبیات فارسی، دانشگاه ادبیات سنندج

Iranm123@gmail.com

چکیده:

محققان کیش گنوسی را یک جریان عرفانی، دینی و ادبی دانسته‌اند. اگرچه گنوسیسم عرفان صدر مسیحیت بوده است و تا رسیدن به آن جایگاه والای عرفان اسلامی فاصله‌ای زیاد دارد، اما لازم به ذکر است که این گنوستیک‌ها بودند که مقدمات عرفان را آغاز کردند. در سده‌های جدید از گنوستیک‌ها، نه به عنوان یک کیش و آیین، بلکه تنها یک نحله عرفانی و یک عرفان شخصی یاد می‌کنند. اندیشه‌ها و آرا این نحله در میان عارفان اسلامی نیز به وفور دیده می‌شود که این خود نشان از تاثیر پذیری عرفان اسلامی از اندیشه‌های گنوسی دارد. محققان، زمان پیدایش این جریان را قرن دوم و سوم میلادی دانسته‌اند. گنوسی‌ان تنها راه نجات انسان را معرفت، آن هم از نوع معرفت اشراقی و قلبی می‌دانند. از دیدگاه آنان، آدمی چون زندانی و اسیر شده‌ای است که راه نجات او همانا دست‌یابی به معرفت است. ماجرای هبوط روح از موطن اصلی اش (عالم روحانی) و اسارت آن در عالم مادی، گرفتار شدن آن در زندان جهل، و این که نجات روح سرگشته در گرو بیداری آن و به طریق کسب معرفت است و این معرفت همانا از سوی خداوند ارزانی می‌گردد، جملگی از تعالیم سنایی است که بسیار مشابه با اندیشه‌های گنوسی‌ان است. در این مقاله، نخست تاریخچه مختصری از گنوسیسم بیان شده، به اصول اعتقادی آن‌ها اشاره و به تاثیر پذیری عارفان اسلامی و اندیشه و عقایدشان از این مشرب راز آلود و عرفانی، اشاراتی شده است. بخش پایانی این پژوهش، به یافتن مؤلفه گنوسی در مثنوی سیر العباد اختصاص داده شده است.

کلید واژه‌ها: اندیشه‌های گنوسی، سیر العباد، سنایی، عرفان اسلامی.

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله

گنوس، واژه‌ای یونانی، از ریشه هند و اروپایی، به معنای دانش، معرفت و عرفان است که آن را با (دانش) در انگلیسی و (معرفت) در سنسکریت، هم‌ریشه می‌دانند. (هالروید، ۱۳۸۷: ۹۷) این کیش را باز مانده از قرون پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند که با گذشت زمان، رنگ مسیحیت به خود گرفته و دارای عقاید ثنویت شده است. یونانیان برداشتی فلسفی-عقلانی و استدلالی از «گنوس» داشته‌اند که به واسطه دریافت‌های عقل و شعور، حاصل می‌گردیده. اما برداشت شرقیان در مصر، سوریه و ایران از «گنوس» برداشتی دینی و انسانی بوده که به واسطه عقل و استدلال، از طریق ایمان و بینشی شهودی-اشراقی کسب می‌شده است. آموزه‌های گنوسی، مشربی رازگونه و مقدس بوده که آن را آیین ره‌یابی به راز هستی، کُنه جهان و کمال مطلق قلمداد می‌کرده‌اند. (همان: ۱۷) اساس کیش گنوسی بر پایه تضاد روح و ماده قرار دارد و از نظر آن‌ها آفرینش این جهان مادی، به دست خدای بزرگ و متعال صورت نگرفته، بلکه این آفرینش کار خدایی است که در مراتبی بسیار پایین‌تر از خدای متعال واقع شده است. (بهار، ۱۳۸۸: ۷۵) به عقیده آنان آفرینش جهان مادی کار خدایی دیگر به نام «دمیوز» است و عده‌ای معتقدند که خلق جهان مادی توسط اهریمن صورت گرفته، بنابراین جهان را اهریمنی می‌دانند. از نظر آنان، انسان نیز ساخته نیروهای اهریمنی است که بارقه‌هایی از نور در کالبد او زندانی است و رسالت آدمی، آزادی این بارقه‌های نور است تا بتواند به بهشت نور برسد. (سجادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۷)